

مقدمه

درباره کتاب و اهمیت آن

«فرهنگ‌نامه تاریخی مفاهیم فلسفه»^۱، مجموعه‌ای سیزده جلدی است که جلد سیزدهم آن به فهرس اختصاص دارد. انتشار متن فرهنگ‌نامه در دوازده جلد قطور رحلی به تدریج از سال ۱۹۷۱ آغاز شده و انتشار جلد دوازدهم آن در سال ۲۰۰۴ به پایان رسیده است. این فرهنگ‌نامه آلمانی شامل ۳۷۱۲ مدخل در زمینه‌های مفاهیم فلسفه و همچنین مفاهیم مشترک میان فلسفه و سایر علوم است.

«فرهنگ‌نامه تاریخی مفاهیم فلسفه» تحت سرپرستی و مدیریت علمی یوآخیم ریتز^۲، کارلفرید گروندر^۳ و سپس گتفرید گابریل^۴ با همکاری بیش از ۱۵۰۰ استاد با سابقه و متخصص در زمینه فلسفه به رشته تحریر درآمده و از سوی انتشارات شوابه در شهر بازل سوئیس و شتوتگارت آلمان به چاپ رسیده است. پایه‌گذاران این فرهنگ‌نامه پیش از این در سال ۱۹۶۴ خطوط اصلی و خط‌مشی خود در نگارش آن را منتشر کردند و یوآخیم ریتز نیز در پیش‌گفتار جلد نخست فرهنگ‌نامه به تفصیل درباره رویکرد آن به بحث پرداخته و گزارشی از مشکلات و مسائلی را ارائه کرده که پیش‌روی مؤلفان قرار داشته است.

در آغاز، مؤلفان مداخل مربوط به «فرهنگ‌نامه مفاهیم فلسفی»^۵ اثر رودلف آیسلر^۶ را که اول بار در سال ۱۸۹۹ منتشر شده و تا سال ۱۹۳۰ چهار بار تجدید چاپ

-
1. Historisches Wörterbuch der Philosophie
 2. Joachim Ritter (1903-1974)
 3. Karlfried Gründer
 4. Gottfried Gabriel
 5. Wörterbuch der philosophischen Begriffe
 6. Rudolf Eisler (1873-1926)

هفت

شده بود، مبنای کار خود قرار دادند. هدف این بود که با جرح و تعدیل و به‌ویژه تکمیل عناوین آن، فرهنگ‌نامه جدیدی تألیف گردد. در فاصله تألیف میان این دو فرهنگ‌نامه، در تلقی فلسفه از خودش و نگرش به جایگاه آن در نظام علوم تحولات قابل ملاحظه‌ای پدید آمده بود. در مسیر این تحولات، بسیاری از مفاهیم و گرایش‌های جدید در فلسفه پای گرفته بود که در فرهنگ‌نامه آیسلر بازتابی نداشت. گذشته از این، شیوه آیسلر این بود که در ابتدای هر مدخلی براساس دیدگاه خود تعریفی نظام‌مند از مفهوم آن ارائه کند؛ بدین ترتیب، در فرهنگ‌نامه او چارچوب و مسیر نگارش مدخل از پیش تعریف شده بود. از دریچه نحوه نگرش تاریخی ریتز و شاگردانش (مکتب ریتز) که متأثر از اندیشه‌های هایدگر، روتهاکر و گادامر بودند، در این رویکرد آیسلر تطورات تاریخی مفاهیم نادیده گرفته می‌شد و هر مفهومی تنها از منظر نظام فلسفی خاص مورد قبول مؤلف آن معرفی می‌گردید. کوشش مؤلفان فرهنگ‌نامه جدید این بود که به بازشناسی خاستگاه‌های مفاهیم فلسفی در زبان محاوره و ثبت و انعکاس مراحل مختلفی بپردازند که این مفهوم در طی تاریخ فلسفه نزد فیلسوفان و نحله‌های مختلف فلسفی پیدا کرده بود و بدین ترتیب، به‌گونه‌ای مستند مجال آن را فراهم آورند تا خوانندگان بتوانند فارغ از موضع‌گیری‌های فلسفی خاص، این تحولات را پی‌گیری کنند. از جمله مسائل دشواری که نویسندگان فرهنگ‌نامه جدید با آن روبه‌رو بودند، تفکیک و در عین حال تلفیق تاریخچه واژه‌ها (Wortgeschichte)، تاریخچه مفاهیم (Begriffsgeschichte) و تاریخچه موضوعات فلسفی (Problemgeschichte) و شناسایی نسبت میان آنها بود؛ زیرا هر یک از این سه قلمرو اقتضای روش پژوهشی خاص خود را داشت. به‌علاوه، مبنای فرهنگ‌نامه جدید توصیف نظام‌مند هیچ یک از مکاتب فلسفی، یعنی روال معمول در نگارش تاریخ فلسفه‌ها نبود، بلکه هدف انعکاس تلقی این مکاتب از مفهوم مورد نظر و تأثیر این تلقی‌ها بر دیگر گونی‌های آن بود. لازمه چنین رویکردی، بررسی متون فلسفی و غیر فلسفی در یک مقطع زمانی

(synchron) برای یافتن معنای مفاهیم از یک سو و همچنین بررسی آنها در طول زمان (diachron) بوده، که کار سنگینی را بر دوش مؤلفان و محققان فرهنگ‌نامه نهاده است.

حاصل سه دهه تلاش بی‌وقفه محققان و مؤلفان، فرهنگ‌نامه‌ای شده است که به اذعان صاحبان فن "کار قرن" محسوب می‌شود و نه تنها در حوزه آلمانی‌زبان، بلکه در سایر حوزه‌های فلسفه نیز تاکنون بدیلی نداشته است. امتیاز این فرهنگ‌نامه در این است که سیر تطور تاریخی مفاهیم را به گونه‌ای مستند همراه با مآخذ و منابع برای مطالعه بیشتر در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد.

البته این اثر نیز همانند تمامی آثار تأسیسی خالی از کاستی‌ها نیست. به‌رغم آنکه نگارندگان این اثر بزرگ تلاش کردند تا مفاهیمی را که بیرون از دایره فلسفه مغرب‌زمین (از جمله در فلسفه چین، هند و به‌ندرت فلسفه اسلامی و یهودی) نقشی تعیین‌کننده داشته‌اند در فهرست مداخل این فرهنگ‌نامه جای دهند، اما در تبیین تطورات مفاهیم عمده فلسفی به‌ویژه آن‌هایی که ریشه در سنت فلسفی یونان دارند، تکیه عمده کار همچنان بر تحولات اندیشه فلسفی در مغرب‌زمین بوده است. از این روی، مثلاً خواننده فارسی‌زبان که بیشتر با مفاهیم فلسفه اسلامی آشناست، جز در موارد اندکی که خاستگاه برخی از مفاهیم مشخصاً فلسفه اسلامی بوده است - نظیر مدخل *natura communis* (طبیعت مشترک) - جای انعکاس سیر تحولات مفاهیم فلسفی در سنت فلسفه اسلامی را خالی می‌بیند، در حالی که بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد تا چه اندازه کارهای فلاسفه مسلمان در این تحولات تأثیر گذارده و برخلاف رأی تاریخ‌نگاران سده نوزدهم اروپا، فلسفه اسلامی صرفاً در حکم واسطه‌ای برای انتقال اندیشه یونان باستان به قرون بعد نبوده است.

با توجه به فاصله زمانی سی و پنج‌ساله نگارش نخستین جلد این مجموعه تا اتمام آن، بدون تردید واژه‌ها، مفاهیم و موضوعات جدیدتری در حوزه فلسفه پدید آمده‌اند که طبعاً در این مجموعه امکان انعکاس آنها فراهم نیامده و در نتیجه باید با

کارهای مشابه تکمیل و یا با نتایج کاوش‌های بعدی تصحیح گردد. با این حال، نظر به حجم و غنایی که این فرهنگ‌نامه دارد، چنانچه صاحبان بضاعت علمی و علاقه، هر اندازه نسبت به برگردان دیگر مداخل آن همت گمارند، خدمتی ارزنده خواهد بود.

در باب ترجمه این فرهنگ‌نامه و دشواری‌های آن

محققان مؤسسه فرهنگی-پژوهشی نوارغنون با توجه به نیاز اساتید، پژوهشگران و دانشجویان رشته فلسفه در کشور و فقدان آثاری مشابه در این زمینه به زبان فارسی از میان مداخل فرهنگ‌نامه ریتز در زمینه مابعدالطبیعه تعدادی از آنها را جهت ترجمه به شورای پژوهشی مؤسسه پیشنهاد کردند که پس از بررسی‌های چندجانبه در مجموع هفتاد مداخل در دستور کار ترجمه قرار گرفت.

همان‌طور که نگارش اصل فرهنگ‌نامه با دشواری‌های فراوانی همراه بوده است و خود متن آلمانی آن نیز برای فرد آلمانی‌زبان، متن راحتی به‌شمار نمی‌آید و باید در آن زمینه متخصص باشد، ترجمه چنین اثری به‌زبان فارسی نیز با دشواری‌های خاص خود توأم بوده است. نخست آنکه، شیوه نگارش متن آلمانی مداخل بسیار دشوار و مطابق معمول فرهنگ‌نامه‌نویسی، به‌غایت فشرده است. دوم آنکه، سبک نگارش نویسندگان مداخل متفاوت بوده و حتی برخی از مداخل از جانب چندین مؤلف به رشته تحریر درآمده که موجب ناهمگونی در نگارش متن آلمانی شده و بالطبع بر متن ترجمه نیز تأثیر گذارده است. سوم آنکه، به‌رغم کوشش مترجمان برای بهره‌گیری از معادل‌های متداول در ترجمه‌های متون فلسفه غرب به زبان فارسی و معادل‌های سنت فلسفه اسلامی، در موارد زیادی معادل‌گذاری‌های جدیدی لازم بود؛ همچنین برای پرهیز از تداعی‌های نادرست، در به‌کار بردن معادل‌های فلسفه سنتی نهایت احتیاط به‌کار رفته است. در مواردی در سنت فلسفی مغرب‌زمین به‌ویژه در فلسفه مسیحی اصطلاحاتی متداول است که در سنت پیشین فلسفی ما به‌کار نمی‌رود، (مثلاً به‌جای تعبیر "عقل خدا"، در واژگان کنونی سنت فلسفی ما بیشتر از

"علم الهی" استفاده می‌شود؛ در این موارد اولویت بر این قرار گرفت که بستر تاریخی واژه و مفهوم مراعات شود. چهارم آنکه، نویسندگان مداخل در موارد زیادی نقل قول‌های مستقیمی را از متون فلسفی به زبان‌های لاتینی، یونانی، فرانسوی، ایتالیایی و انگلیسی ذکر کرده‌اند بی‌آنکه ترجمه آلمانی آن را در اختیار خواننده قرار دهند. برگردان این نقل قول‌ها به زبان فارسی به دلیل لزوم احاطه به هر یک از این زبان‌ها به دشواری کار دامن می‌زد. پنجم آنکه، معضل همیشگی ترجمه، یعنی کشمکش میان وفادار ماندن به متن از یک سو و رسا بودن آن از سوی دیگر در اینجا نیز آشکارا چهره نمود. در این ترجمه، کوشش بر این بوده است که در پی دستیابی به فهم درستی از متن اصلی، در نهایت وفاداری ممکن، ترجمه‌ای روان و رسا در اختیار خوانندگان فارسی‌زبان قرار گیرد بی‌آنکه از دقت و ظرافت‌های آن کاسته شود. رسیدن به فهم درست از متن اصلی در مواردی در پی مباحثاتی طولانی و یا مشورت‌هایی با اساتید فن صورت گرفته که ماحصل آنها صرفاً به صورت توضیحی کوتاه در پانویس آمده است. در این کار، مبنای نقد محتوایی مداخل‌ها نبوده، اما به ندرت در پانویس به ناهمخوان بودن خود متن و یا دریافت ناکافی نگارنده اشاره شده است. مجموع این دشواری‌ها موجب شد که کار از حد یک ترجمه صرف فراتر رود و به یک کار تحقیقی مبدل شود.

با توجه به دشواری‌های فوق، حجم بالای کار و کمبود مترجمانی که هم از تسلط بالایی به زبان آلمانی برخوردار و هم با موضوعات مختلف فلسفی مطرح شده در متن به حد کافی آشنا باشند، کار ترجمه متن از سال ۱۳۸۱ طی چند مرحله صورت گرفت:

۱. ترجمه پایه: در این مرحله از همکاری چندین مترجم بهره گرفتیم، که از مدرسان خوب زبان آلمانی در دانشگاه‌ها به‌شمار می‌روند. نتیجه این مرحله تهیه برگردان اولیه‌ای از متن اصلی به زبان فارسی بود.
۲. ویرایش علمی اول: در این مرحله ترجمه پایه در حضور مترجمان با متن،

مقابله و اصطلاحات فلسفی تصحیح و تدقیق شد؛ سپس اصلاحات مورد نیاز از جانب خود مترجمان انجام گرفت.

۳. ویرایش علمی دوم: پس از مقابله مجدد کل متن اصلی با متن تصحیح شده از سوی مترجمان پایه، اصلاحات ادبی لازم به عمل آمد؛ لازم به ذکر است که در برخی موارد بخش‌هایی از متن، دوباره ترجمه و ویرایش گردید. به علاوه، نقل قول‌ها و اصطلاحاتی که به زبان‌های غیر آلمانی در متن آمده بود ترجمه شد. در برخی موارد میان متن اصلی غیر آلمانی و ترجمه‌ای که نویسنده آلمانی از آنها به عمل آورده بود تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد. مبنای ما بر این بوده است که در این موارد بر ترجمه آلمانی تکیه شود و - جز در موارد معدودی که به نظر می‌رسید این ترجمه نارساست - از برگرداندن مستقیم این نقل قول‌ها به فارسی احتراز گردد.

۴. از آنجا که قرارداد انتشار این فرهنگ‌نامه با مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی «سمت» منعقد شده بود، جناب آقای دکتر احمد احمدی از جانب آن سازمان محترم مسئولیت نظارت را به عهده گرفتند و ویراسته علمی دوم در اختیار ایشان قرار گرفت که نظرات اصلاحی ایشان در بهبود کار ویراستاران و غنای ترجمه مؤثر واقع شد.

۵. آخرین مرحله از کار به حروف چینی، صفحه‌آرایی، یکسان‌سازی شیوه‌املائی، تصحیح علائم و رمزهای ویرایشی (سجاوندی) و سپس تهیه پانویس‌ها، فهرست اعلام، کتاب‌ها، رساله‌ها و اصطلاحات و واژگان فلسفی موجود در متن، اختصاص یافت. در زمینه هر یک از این موارد لازم است نکات مهمی را متذکر شویم:

در آغاز، سعی ما بر آن بود که ویرایش این جلد براساس قواعد متداول ویراستاری فارسی صورت گیرد. اما با توجه به اینکه در متن آلمانی نشانه‌هایی به کار رفته بود که در ویراستاری فارسی یا اساساً معادلی ندارند و یا معادل‌های دیگری دارند، به ناچار نشانه‌های متن آلمانی را اساس کار در ویرایش فارسی قرار دادیم. این نشانه‌ها ممکن است در برخی از موارد برای خواننده فارسی‌زبان نامأنوس باشند. از این روی، ذیلاً به توضیح آنها می‌پردازیم:

دوازده

در مواردی که در فرهنگ‌نامه دو یا چند مفهوم به صورت به هم پیوسته ذیل یک مدخل مورد بحث قرار گرفته باشند، علامت / نشانه آن است که این مفاهیم مقابل همدیگر و علامت ، بیانگر آن است که این مفاهیم مکمل یکدیگرند.

در مواردی که در باب آراء خاص یک فیلسوف یا نویسنده در مدخل سخن به میان می‌آید، نام آن فیلسوف با حروف سیاه و همین نام در سایر موارد با حروف معمولی آمده است؛ در این صورت، برای برجسته کردن نام او از حروف مایل استفاده شده است.

در متن فارسی غالباً نام فیلسوفان و نویسندگان با تلفظ زبان زادگاهشان آمده است، هرچند این تلفظ در منابع فارسی معمول نباشد. البته در فهرست اعلام صورت‌های مختلف ضبط این نام‌ها ذکر شده است. برای نشان دادن نام کتاب‌ها یا رساله‌های مذکور در متن و همچنین مشخص کردن عنوان فصل یا بخش و یا یک اصطلاح خاص علامت <> و برای نقل قول‌های مستقیم علامت " " به کار رفته است.

عددی که در هر بخش از متن در داخل [] آمده، بیانگر شماره پی‌نوشت‌های مؤلف است. در پی‌نوشت‌ها اگر نام اثری مکرر آمده باشد، مؤلف در موارد بعدی به اولین شماره‌ای که این اثر برای نخستین بار در آن آمده است، ارجاع می‌دهد. لازم به ذکر است که در برخی موارد به ضرورت ترجمه، شماره داخل کرشه در ترجمه و به همین ترتیب، در پی‌نوشت‌های مؤلف جابه‌جا شده است.

همچنین از علامت [] برای افزوده‌هایی که از ناحیه مؤلف یا مترجم در متن به منظور تکمیل معنای عبارتی که بدون آن متن قابل فهم نیست، استفاده می‌شود. در این صورت، افزوده‌های مترجم با علامت (م.) و افزوده‌های ویراستار با علامت (و.) مشخص شده است؛ در غیر این صورت، عبارات داخل [] بیانگر افزوده‌هایی است که خود نویسنده مقاله در نقل قول‌ها آورده است.

واژه‌های آلمانی خاص و همچنین واژه‌های غیر آلمانی (یونانی، لاتینی،

انگلیسی، فرانسوی و ایتالیایی) و تمامی نقل قول‌های غیر آلمانی داخل متن در پانویس آمده است. در مورد واژه‌های یونانی با توجه به متفاوت بودن الفبای این زبان، آوانویسی این واژه‌ها به فارسی نیز ذکر شده است. در برخی از موارد معادل‌های مختلفی از یک واژه در کنار هم آمده که ترتیب آنها براساس زبان مبدأ است، یعنی مثلاً ابتدا واژه یونانی همراه با آوانویسی آن به زبان فارسی و سپس معادل آلمانی آن آورده شده که این دو با علامت / از هم تفکیک شده‌اند. در پانویس‌هایی که با علامت (و.) مشخص شده‌اند، توضیحاتی ضروری آمده است که ویراستاران بر متن افزوده‌اند.

در پایان هر مدخل یا بخش‌های آن، نام مؤلف آنها ذکر شده است؛ در صورتی که نامی ذکر نشده باشد، به این معناست که بخش بعدی یا بخش‌های بعدی مدخل نیز از همان مؤلف است. نام مجلات و نشریات ادواری موجود در پی‌نوشت‌های مؤلف در موارد اندکی به اختصار آمده و نام کامل آنها در پایان بخش ضمایم به صورت مستقل آورده شده است. در بخش منابع برای مطالعه، کتاب‌ها معمولاً به ترتیب تاریخی و گاهی اوقات برحسب موضوع آمده‌اند.

قدردانی

لازم به ذکر است که این ترجمه، محصول همکاری و همدلی صمیمانه یک گروه است که هر کدام از اعضای آن به‌عنوان مکمل یک حلقه کاری نقش مؤثر خود را ایفا کرده‌اند. از این رو، مؤسسه فرهنگی - پژوهشی نوارغنون بر خود فرض می‌داند که ذیلاً از زحمات بی‌شائبه این همکاران تقدیر و تشکر صمیمانه به عمل آورد:

مترجمان محترم سرکار خانم دکتر زهرا بهفر، دکتر پرستو خانبانی و دکتر ماریا ناصر که با زحمات خود متن اولیه را فراهم آوردند و پس از بازخوانی آن با آقای دکتر سیدمحمد رضا حسینی بهشتی، سرویراستار این اثر، متن پایه را شکل دادند. آقایان دکتر استفان پانوسی و دکتر هاینریش گایسر که در ترجمه بخشی از متون لاتین ما را همراهی کردند. سرکار خانم فریده فرنودفر که گذشته از مدیریت

چهارده

داخلی طرح، با پشتکار و وسواسی فراوان در تمامی مراحل چند ساله، بر حسن انجام آن نظارت کرده و به‌ویژه با مشارکت در شورای ویراستاری علمی اثر، در کار دشوار مقابله محتوایی و ادبی متن، تهیه پاورقی‌ها، فهرست‌های اعلام، منابع و واژه‌نامه‌ها کوشش بلیغی نموده‌اند. جناب آقای مهدی میرزازاده که پس از ترجمه و مقابله اول، تمامی متن را به‌لحاظ محتوایی با حوصله و باریک‌بینی خاص مورد مطالعه قرار داده و ضمن متذکر شدن کاستی‌ها و نارسایی‌های آن، در تدوین و ویرایش نهایی آن سهم عمده‌ای را برعهده داشته‌اند. سرکار خانم زینب فرخنده‌زاده که با جدیت تمام کارهای رایانه‌ای، جستجوها، غلط‌گیری‌های نهایی، صفحه‌آرایی و تهیه فهرست‌ها به‌حق نقش مؤثری را در پدید آمدن این اثر داشته‌اند. سرکار خانم‌ها فریبا کریملی و سهیلا غلامی که حروف چینی و تصحیح اولیه متن‌ها را انجام داده‌اند.

و سرانجام باید از همکار گرامی مان جناب آقای دکتر سیدمحمد رضا حسینی بهشتی قدردانی خود را ابراز کنیم که به‌حق در انجام این کار دشوار، مهم‌ترین نقش را ایفا کردند. بازخوانی ترجمه‌ها در جلسه با مترجمان پایه، ترجمه بخش‌های یونانی و لاتینی، مدیریت شورای ویراستاری علمی نهایی با ایشان بوده و به‌علاوه در مواردی به‌ناگزیر برخی از متن‌های دشوار را دوباره شخصاً به فارسی برگردانده‌اند. در پایان، از مدیران محترم سازمان «سمت»، که چاپ این فرهنگ‌نامه را در برنامه پژوهش و نشر خود جای دادند و اسباب چاپ آن را فراهم آوردند، سپاسگزاری و قدردانی می‌شود. طبیعی است که به‌رغم کوشش‌های دست‌اندرکاران ترجمه و ویرایش متن، این اثر نیز نمی‌تواند خالی از کاستی‌ها باشد. امید آنکه اساتید و اهل نظر ما را با نقدها و راهنمایی‌هایشان در تصحیح بعدی این اثر یاری نمایند و بر غنای کار بیفزایند.

موسسه فرهنگی - پژوهشی نوارغنون

تهران، اسفند ۱۳۸۵

پانزده